

پژوهش

گزینه های عربستان سعودی در سایه قطب بندی میان آمریکا و چین

16 سپتامبر 2024

دکتر محمود حمدی ابوالقاسم

سر دبیر مجله پژوهش های ایرانی



RASANA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies

ح رصانة - المعهد الدولي للدراسات الإيرانية ، ١٤٤٦ هـ

ابوالقاسم ، محمود حمدي
كزينة های عربستان سعودی در سایه قطب بندی میان آمریکا
وجین. / محمود حمدي ابوالقاسم .- الرياض ، ١٤٤٦ هـ
..ص ؛ ..سم

رقم الإيداع: ١٤٤٦/٤٧٧٤
ردمك: ٩٧٨-٦٠٣-٨٤٤٧-٠٩-٣

سیاست خارجی عربستان سعودی در چند سال اخیر، با توجه به عوامل داخلی و خارجی شاهد تغییراتی بوده است که دامنه این تغییرات اهداف، نقشها، رویکردها، رفتارها و ابزارها را شامل می شود. این روند تغییر به وضوح حکایت از آن داشت که عربستان سعودی سیاست خارجی خود را بر اساس منافع ملی حیاتی خود دنبال می کند؛ از این رو تنوع بخشیدن به شراکتها، گشایش با تمامی قدرتهای بین المللی و گره نزدن منافع خود به یک قطب بین المللی را در دستور کار خود قرار داده است. اما در این میان، قطب بندی بین المللی کنونی میان ایالات متحده و چین که در سالهای اخیر به اوج خود رسیده، سیاست های عربستان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. چین که در صدد است جایگاه خود را در خاورمیانه تقویت کند، به گشایش با عربستان سعودی به عنوان یک قدرت منطقه ای تأثیرگذار اهتمام می ورزد. ایالات متحده نیز که به اشتباه خود در کاهش اهمیت منطقه خاورمیانه در راهبرد خود پی برده است، و از سویی هم نمی خواهد که چین این خلأ را در منطقه پر کند، اکنون در تلاش برای بازنگری در روش و رابطه خود با پادشاهی عربستان سعودی برآمده است. در این میان، هر دو طرف آمریکایی و چینی برای پادشاهی عربستان سعودی از اهمیت خاصی برخوردارند و ریاض در تلاش است تا روابط خود را با هر دو قدرت بین المللی حفظ کند؛ نه اینکه رابطه با یکی را فدای دیگری کند. حال سؤال اینجاست که در سایه قطب بندی کنونی، ریاض چگونه می تواند با کسب اعتماد هر دو قدرت رقیب، روابط متوازن خود با هر دوی آنها را حفظ کند؟

پژوهش حاضر به این موضوع می پردازد که آیا پادشاهی عربستان سعودی می تواند در روابط خود با چین و ایالات متحده یک رویه متوازن را دنبال کند و بر خلاف آنچه ماهیت رقابت دو قطب بر منطقه و جهان تحمیل می کند، در هیچ سویی از این رقابت و قطب بندی قرار نگیرد؟ و بدین سان به منافع اساسی و حیاتی پادشاهی عربستان سعودی اولویت دهد. و در چارچوب سیاستهای خارجی تازه که همانا تنوع بخشیدن به شراکتها و تحقق بیشترین قدرت مانور دهی در سطح بین الملل و حداکثر استفاده از فضای رقابت است، گام بردارد و با استفاده از فرصت موجود به ایجاد شراکت متوازن با هر دو قطب بین المللی

و در راستای خدمت به چشم انداز 2030 و بلندپروازیها به سوی عربستان سعودی تازه به عنوان یک بازیگر منطقه ای و بین المللی تلاش نماید.

این پژوهش در تلاش است این فرضیه را بر اساس مقوله های مکتب واقع گرایی که بر مفاهیم قدرت، موازنه قوا و منافع ملی تمرکز دارد مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش از روش استقرایی استفاده شده است که برگردآوری داده ها و کشف روابط بسیار ظریف میان آنها و ارتباط آنها را با مجموعه ای از روابط کلی استوار است. در این روش نیز مانند سایر روشهای علمی ابتدا سؤال پژوهش مطرح می گردد یعنی پدیده مورد بحث مشخص می شود سپس به جزئیات و عوامل آن پرداخته می شود و در نهایت، بحث از امور جزئی به امور کلی یعنی از مفهوم خاص به مفهوم عام منتقل می شود. در چارچوب این روش، می توان از منافع ملی به عنوان ابزاری برای استقرای نحوه محاسبات ریاض در مورد منافع ملی خود، بهره گرفت که به جای پیوستن به یکی از قطب های رقیب، روابط خود با پکن و واشنگتن را متوازن نگهدارد.

برای پاسخ به پرسشهای این پژوهش که بر ماهیت منافع عربستان سعودی با ایالات متحده و چین و رهیافتی که هر دو طرف رقیب در سایه قطب بندی کنونی ارائه می دهند، و نحوه ارزیابی پادشاهی عربستان سعودی از منافع ملی خود و تعیین گزینه های خود بر اساس آن تمرکز دارد، این پژوهش به سه محور می پردازد که عبارتند از:

- نخست: عربستان سعودی و تحولات در روابط با دو قطب آمریکایی و چینی
- دوم: روابط پیشرفته با چین و ابتکار آمریکا برای احیای مجدد نفوذ خود
- سوم: اقدام عربستان سعودی مبنی بر موازنه منافع خود با هر دو قطب

نخست: عربستان سعودی و تحولات در روابط با دو قطب آمریکایی و چینی

واشنگتن راهبرد رقابت راهبردی را در سطح بین الملل در پیش گرفته و تأثیر این رقابت به خاورمیانه نیز رسیده و عربستان سعودی یکی از کشورهای است که تحت تأثیر این قطب بندی قرار گرفته است. در اینجا به پیامدهای

این قطب بندی بر روابط عربستان سعودی با ایالات متحده و چین نگاه می اندازیم:

یک. منافع در نوسان با ایالات متحده

رابطه ایالات متحده با عربستان سعودی بر پایه منافع اساسی شکل گرفته است که منافع امنیتی عربستان سعودی در رأس آنها قرار دارد و در طول سالیان درازی مبنای همکاری و هماهنگی در سطوح بالا بوده است. دو کشور همکاریهای گسترده ای در مسائل امنیتی و اطلاعاتی با یکدیگر دارند. در طول تاریخ، پادشاهی عربستان سعودی در مورد مسائل امنیتی مخصوصا علیه ایران و دیگر رقبای منطقه ای، از ایالات متحده تضمین گرفته است. علاوه بر آن، واشنگتن هنوز منبع اصلی سلاحهای ریاض به شمار می رود و ریاض همواره بر این باور بوده است که هیچ کشوری حتی چین همچون ایالات متحده جنگ افزارهای نظامی در منطقه ندارد و نمی تواند اینگونه به پادشاهی عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه از لحاظ امنیتی و دفاعی تضمین بدهد.¹

اما دومین پایه روابط ایالات متحده و عربستان سعودی، مربوط به اکتشاف حوزه های نفتی در خاک عربستان سعودی و فروش آن با دلار است و به توافق پترو دلار نیز معروف است که منافع اقتصادی هنگفتی برای طرفین به ارمغان دارد. و تا هنوز هم اقتصاد عربستان سعودی ارتباط تنگاتنگی با ایالات متحده دارد و شرکتهای آمریکایی سرمایه گذاریهای کلانی مخصوصا در حوزه نفت عربستان سعودی انجام می دهند و شرکتهای انرژی و پتروشیمی آمریکایی در بخش انرژی عربستان سعودی حضور پررنگی دارند. ایالات متحده در دو شرکت بزرگ پادشاهی عربستان سعودی یعنی آرامکو و سابک میلیاردها دلار سهم دارد. در سال 2023 شرکتهای آمریکایی در کنفرانس فناوری که در ریاض برگزار شد، از سرمایه گذاری تازه ای بالغ بر 3,5 میلیارد دلار، خبر دادند. شرکت بوئینگ نیز اخیرا از امضای قراردادی به ارزش حدود

(1) Ali Shihabi, A Saudi-American Alliance?, Hoover Institution, (July 6, 2023), accessed: August 21, 2024, <https://n9.cl/dybtft>

37 میلیارد دلار با پادشاهی عربستان سعودی خبر داد. در فاصله سالهای 2017 و 2023 میلادی، صندوق سرمایه گذاری عمومی عربستان سعودی بیش از 100 میلیارد دلار در ایالات متحده سرمایه گذاری کرده است.¹

علاوه بر آن، ایالات متحده همچنان به عنوان صادرکننده مهم فناوری از جمله فناوری انرژی خورشیدی و هیدروژن سبز و انرژی هسته ای و دیگر فناوریهای انرژی پاک مطرح است. ایالات متحده به عنوان یک قطب علمی از دیرباز با پادشاهی عربستان سعودی روابط فرهنگی و آموزشی تنگاتنگی داشته است. هم اکنون بیش از 18000 دانشجوی سعودی در دانشگاههای آمریکا در حال تحصیل هستند. در طی پنج دهه گذشته حدود 700,000 دانشجوی سعودی از مؤسسات آموزشی آمریکایی فارغ التحصیل شده اند. همچنین، برنامه های همکاری در حوزه های آموزشی، آموزش حرفه ای، فرهنگی و ورزشی میان دو ملت نقش عمده ای در ایجاد و حفظ این پیوندهای تنگاتنگ دارند که از جمله آنها می توان به برنامه رهبری بازدیدکنندگان بین المللی، برنامه بازدیدکننده ورزشکار و برنامه تبادل ورزشکاران اشاره کرد.

با اینکه این روابط به حوزه های ثانوی دیگری نیز امتداد پیدا کرده است اما بعد از اینکه منطقه خاورمیانه از لیست اولویتهای راهبردی آمریکا خارج شد و به دنبال آن آمریکا ضمن کاهش حضور نظامی خود در منطقه، جنگ افزارهای خود را برای مقابله با چین به جنوب شرق آسیا و اقیانوس هند گسیل داشت، این حجم زیاد از همکاری مخصوصا در حوزه امنیتی در بوته سخت آزمون قرار گرفته است. علاوه بر آن، عربستان سعودی در مقابله با چالشها نه تنها آنگونه که انتظار داشت از همکاری امنیتی آمریکا برخوردار نشد بلکه واشنگتن محدودیتهایی بر تحویل سلاحهای پیشرفته به ریاض وضع کرد و در مورد جنگ یمن به ریاض فشار آورد. و همین امر سبب شد که ریاض اعتماد خود به واشنگتن به عنوان یک شریک راهبردی را از دست بدهد.

(1) Felicia Schwartz and Andrew England, How Saudi Arabia won back Biden, Financial Times, (June 17 2024), accessed: August 21, 2024, <https://n9.cl/fnaqe>

البته قبل از این نیز، مواضع ایالات متحده به این شکاف بی اعتمادی دامن زده بود؛ واشنگتن با بهانه قراردادن برخی مسائل ساختگی مانند حقوق بشر و تأمین مالی تروریسم، ریاض را تحت فشار قرار داد. این امر، به پیچیده تر شدن روابط فیما بین انجامید و سبب شد که عربستان سعودی اعتماد خود به ایالات متحده به عنوان یک شریک را تا حد زیادی از دست بدهد. همچنین، سیاستهای آمریکا در منطقه از زمان بوش پسر گرفته تا رخدادهای بهار عربی و بی ثباتی های منطقه ای که در پی داشت، یک تهدید جدی برای ثبات و حاکمیت عربستان به شمار می رفت و موجبات ناخرسندی پادشاهی عربستان سعودی را فراهم ساخت.

علاوه بر آن، روش باراک اوباما رئیس جمهور پیشین آمریکا در قبال ایران، از امضای برجام گرفته تا مداخلات در مقابل گسترش دامنه نفوذ منطقه ای و دخالت ایران در برخی کشورهای منطقه و تهدید امنیت و ثبات و ایجاد یک هلال بحران در اطراف پادشاهی عربستان سعودی، از جمله عواملی بود که سبب شد ریاض به واشنگتن به عنوان یک شریک امنیتی بی اعتماد شود. علی رغم اینکه ترامپ تلاش کرد ضمن ترمیم روابط و برطرف کردن اختلافات فیما بین، رفتار واشنگتن در قبال پادشاهی عربستان سعودی را تعدیل کند، اما اقدامات او نه با هدف تغییر راهبردی بلکه از روی فرصت طلبی بود و جنبه تاکتیکی داشت. بی تردید، کنار رفتن چتر حمایتی آمریکا از منطقه و تنها گذاشتن متحد راهبردی خود یعنی عربستان سعودی در چندین مناسبت، تردیدهای ریاض در مورد میزان اعتماد به تضمینهای امنیتی آمریکا را برانگیخت؛ عدم دفاع واشنگتن از عربستان سعودی در برابر حملات حوثی ها به پالایشگاههای نفتی عربستان در سال 2019 میلادی بهترین گواه این مدعا است.

و در نهایت، با روی کار آمدن بایدن روابط دو کشور تا حد زیادی به تیرگی گرایید و وارد مرحله دشواری شد. و مسلم شد که آمریکا علی رغم اینکه با شریک راهبردی خود در حوزه های متعددی منافع مشترک دارد، اما از حمایت آن شانه خالی می کند. اداره بایدن تلاش کرد پادشاهی عربستان سعودی را

برای اتخاذ سیاستهای نفتی مشخصی تحت فشار قرار دهد. واشنگتن در این زمینه، منافع حیاتی عربستان سعودی در بازار نفت با ثبات و بهای متوازن نفت که به نفع تولید کنندگان و مصرف کنندگان است، در نظر نگرفته بود.

بعد از انقلاب گاز شیل، واردات گاز آمریکا از عربستان سعودی در فاصله سالهای 2012 و 2022 به میزان پنج برابر کاهش یافت. و چین به عنوان بزرگترین وارد کننده تولیدات نفتی عربستان مطرح شد. این امر، پرونده انرژی را از محاسبات واشنگتن در خاورمیانه خارج کرد. اما بعد از جنگ اوکراین، پرونده انرژی بار دیگر جای خود را در برنامه های واشنگتن در منطقه باز کرد. پس از آنکه بهای نفت به خاطر حمله روسیه به اوکراین افزایش یافت، ایالات متحده از پادشاهی عربستان سعودی خواست تا برای کاهش بهای نفت، سقف تولید را افزایش دهد که با مخالفت عربستان سعودی روبرو شد و این امر، از عمق شکاف میان واشنگتن و ریاض حکایت دارد. علاوه بر آن، موضعی که ریاض در قبال بحران اوکراین اتخاذ کرد، چندان مورد پسند واشنگتن نبود؛ این در حالیست که پیش از این، ریاض همواره از مواضع واشنگتن به صورت تمام قد حمایت می کرد.

دو. تمایل عربستان سعودی و چین به شراکت و پرکردن خلأ

در حالیکه بی اعتمادی و عدم تفاهم بر روابط آمریکا و عربستان سعودی سایه افکننده بود، سیاست خارجی عربستان سعودی تحولات عمیق و تغییرات ریشه ای را تجربه کرد؛ زیرا امیر محمد بن سلمان ولی عهد عربستان، در سالهای اخیر در رویکردهای این کشور تغییراتی ایجاد کرده است. و شاید بتوان گفت یکی از مشکلاتی که امیر محمد بن سلمان موفق به حل آن شد، همانا اتخاذ تدابیر مناسبی بود که سیاست پادشاهی عربستان سعودی را از قید محدودیت های به جا مانده از گذشته های دور، و از قرار گرفتن در ائتلافهای انعطاف ناپذیر آزاد ساخت تا برای همراهی با تحولات روز و آمادگی برای ایجاد تغییر در رویکردها در چارچوب یک نهاد بلند پایه که میان نیازهای داخل و خارج در

تمام سطوح هماهنگی برقرار می‌کند، ابتکار عمل را به دست گرفته و منافع ملی عربستان سعودی را بر هر امر دیگری ترجیح دهد.

با دید واقع بینی و همه جانبه برای تقویت جایگاه پیشقراولانه عربستان سعودی، ریاض یک سیاست خارجی مبتنی بر تنوع بخشیدن به شراکتها، تحقق استقلال در تعیین منافع و اولویتها در راستای خدمت به منافع ملی، عدم تمایل به برنامه های هیچ یک از قدرتهای بزرگ، دوری از سیاست قطب بندی قدرتهای بین المللی، تقویت ثبات منطقه ای به عنوان ستون فقرات توسعه و همکاری و ایجاد رویه متوازن و پرهیز از گرفتار شدن در تله قطب بندی کنونی را در پیش گرفت.

به دنبال تصمیم واشنگتن مبنی بر تلاش برای مقابله با نفوذ روزافزون چین در سطح جهان و اعزام جنگ افزارهای خود از خاورمیانه به منطقه شرق آسیا، خلأی در خاورمیانه به وجود آمد و ریاض نیز به این نتیجه رسید که نمی‌توان در معادله منطقه ای به طور کامل به حمایت و حضور آمریکا اتکا کرد. از این رو، ریاض سیاست خارجی خود را مورد بازنگری قرار داد؛ زیرا در میان قدرتهای منطقه ای عربستان سعودی بیشترین زیان را از دگرگونیهای سیاست واشنگتن در سالهای اخیر متحمل شده بود و بیشتر از سایر قدرتهای منطقه ای از دیکته های واشنگتن و سیاستهای منطقه ای آن که دست ایران را برای تهدید ثبات و امنیت منطقه ای باز گذاشت، خسته شده بود. همچنین، احتمالاً پادشاهی عربستان سعودی خواسته است با این رویکرد خارجی تازه خود پیامی به واشنگتن ارسال کند مبنی بر اینکه عربستان سعودی گزینه های جایگزین دیگری غیر از ایالات متحده دارد و این اقدام واشنگتن که روابط با عربستان سعودی را قربانی تحقق توازنات دیگری می‌کند، برایش گران تمام می‌شود.

در این میان، چین نیز که به خاطر راهبرد آمریکا در فضای منطقه ای خود تحت فشار قرار دارد، بازنگری در رویکرد خارجی خود را آغاز کرده است تا رقابت با ایالات متحده را به مناطقی خارج از حوزه حیاتی خود منتقل کند. در نتیجه، هم پکن و هم ریاض بر ادامه توسعه روابط ابراز تمایل کرده اند و در این زمینه

سفرهای دوجانبه ای میان دو طرف صورت گرفته است که مهمترین آنها سفر تاریخی و اولین سفر رئیس جمهور چین به عربستان سعودی در سال 2022 میلادی است و بعد از آن بود که روابط دو کشور وارد فاز تازه ای شد و به سطح شراکت راهبردی همه جانبه ارتقا یافت. در واقع سفر رئیس جمهور چین به عربستان سعودی، دروازه روابط عمیق با کشورهای خلیج و به طور کل کشورهای عربی را به روی او گشود و فرصتی برای چین فراهم کرد تا کار ابر پروژه های خود را پیش ببرد. از نگاه چین، پادشاهی عربستان سعودی با داشتن چنین موقعیت ژئوپلیتیکی که بلند پروازیهای چین را از غرب به آفریقا و از شمال به اروپا وصل می کند، اهمیت خاصی برای پروژه کمربند و جاده دارد. همچنین، این سفر فرصتی را پدید آورد تا در پاسخ به راهبرد ایالات متحده که تلاش دارد چین را در فضای منطقه ای اش با بحرانهایی درگیر کند، پکن نیز راهبرد پر کردن خلأ در منطقه خاورمیانه را محک بزند.

در پاسخ به اقدامات آمریکا که تلاش می کند با استفاده از برگ تایوان و دیگر مسائل منطقه ای به پکن فشار آورد، چین نیز تلاش می کند تا جای پای در خاورمیانه برای خود تدارک ببیند. در عین حال، عربستان سعودی نیز بر این باور است که شراکت با چین در راستای منافع و بلند پروازیها و طرحهای ملی آن است و گزینه ها و اقدامات آن در راستای توازن میان قدرتهای بین المللی را تقویت می کند. هر دو کشور در تلاشند تا روابط دوجانبه را از وضعیتی که به نفت و مبادلات تجاری محدود است، متحول ساخته و به سطح شراکت گسترده تری ارتقا دهند که طرحهای زیرساختی، انتقال فناوریهای پیشرفته و حتی همکاری در زمینه های امنیتی و دفاعی را نیز در برگیرد¹.

می توان گفت که این اقدامات نتایج مثبتی را به دنبال داشته است به گونه ای که با تقویت اعتماد متقابل، همکاری میان چین و عربستان سعودی در زمینه های اقتصادی، فناوری و سیاسی را گسترش داده و رونق بخشیده

(1) Christopher S. Chivvis, Aaron David Miller, and Beatrix Geaghan-Breiner, Saudi Arabia in the Emerging World Order, Carnegie endowment, (November 6, 2023), accessed: August 21, 2024, <https://n9.cl/c730e>

است. و همین امر نیز زمینه را برای میانجیگری تاریخی چین میان عربستان سعودی و ایران فراهم ساخت. و چین با ورود به مذاکراتی که با هدف احیای روابط و کاهش تنشها میان ریاض و تهران توسط عراق مدیریت می شد، این مذاکرات را در ماه مارس 2023 میلادی به سرمنزل امضای توافق میان تهران و ریاض رساند که به موجب آن روابط میان دو طرف از سر گرفته شد و زمینه ابتکاری برای تحقق ثبات منطقه ای را آماده ساخت و چارچوبی ایجاد شد که براساس آن ایران و کشورهای منطقه به جای رویارویی و تنش افزایی، به تفاهم و گفتگو روی آوردند.

این اقدام چین یک پیشرفت مهم در خاورمیانه محسوب می شود؛ زیرا چین با در نظر داشت وجود رخنه در منظومه روابط واشنگتن با منطقه یک رهیافت امنیتی پیشتازی ارائه داد و با این اقدام خود، دیدگاه امنیتی واشنگتن را به چالش کشید. گفتنی است واشنگتن در تلاش است با ایجاد ساختارهای امنیتی متضاد، در راستای تأمین منافع و تقویت نفوذ خود گام بردارد. از این رو، این توافق فرصت بیشتری برای چین فراهم ساخت تا نفوذ و حضور خود را در منطقه تقویت کند. علاوه بر آن، دستاورد دیگر این توافق همان ثبات منطقه ای است که به چین امکان می دهد سرمایه گذاریها و شرکتهای بیشتری با کشورهای منطقه داشته باشد و این امر با مهمترین ابتکارهای جهانی چین در حوزه امنیتی و اقتصادی همخوانی دارد و چین در تلاش است با این ابتکارها رهبری ایالات متحده در سطح بین الملل را به چالش بکشد.

بدین سان با پیشرفتی که در سالهای اخیر در روابط چین و عربستان سعودی حاصل شد، دوره تازه ای از اعتماد متقابل و منافع مشترک روز افزون را آغاز کرد و سبب شد که هر دو کشور در صدد برآیند تا در دوره انتقالی کنونی موقعیت و جایگاه خود را در ترتیبات بین المللی و منطقه ای بهبود بخشند.

دوم: روابط پیشرفته با چین، و ابتکار آمریکا برای احیای نفوذ

روابط عربستان سعودی با چین گسترش یافت به گونه ای که منافع حیاتی ریاض در این روابط خود را نشان داد. آمریکا که از پیامدهای نزدیکی میان چین و عربستان احساس خطر کرده بود، تصمیم گرفت تا به گونه ای مانع این همکاری روزافزون شود. از این رو، ابتکار تازه ای برای خاورمیانه ارائه کرد که منافع واشنگتن را نیز تأمین کند. در اینجا به منافع روزافزون پادشاهی عربستان سعودی با چین نگاهی می اندازیم و سپس ابتکاری را که آمریکا با هدف محدود کردن این رابطه ارائه داده است را مورد بررسی قرار می دهیم:

یک. منافع فزاینده عربستان سعودی با چین

روابط عربستان سعودی و چین، به گذشته های دور بازمی گردد. این دو کشور منافع مشترکی دارند که بعد از توسعه روابط به سطح شراکت راهبردی تقویت شده است. و حیاتی ترین این منافع همان اقتصاد است. چین که بزرگترین مقصد صادرات هیدروکربنات عربستان است، مهمترین شریک اقتصادی ریاض در فضای بین الملل محسوب می شود. چین بیش از 50 درصد نفت خود را از کشورهای شورای همکاری خلیج وارد می کند که 18 درصد آن تنها از پادشاهی عربستان سعودی تأمین می شود. بعد از روسیه، عربستان سعودی دومین صادرکننده نفت به پکن به شمار می رود. گفتنی است قبل از اینکه غربی ها صادرات نفت روسیه را تحریم کنند، عربستان سعودی بزرگترین صادرکننده نفت به چین بود¹.

همچنین، عربستان سعودی شریک مهم چین در ابتکار کمربند و جاده محسوب می شود. پادشاهی عربستان سعودی در پروژه های زیر ساختی این ابتکار از جمله بنادر، و خط آهن سریع السیر، راهها، مناطق صنعتی در منطقه خلیج و در سواحل دریای سرخ با شرکتهای چینی وارد شراکت شده است. در نیمه اول سال 2022، پادشاهی عربستان سعودی 5,5 میلیارد دلار از سرمایه گذاریها و قراردادهای مربوط به ابتکار چینی کمربند و جاده را به خود

(1) Al Jazeera, Russia overtakes Saudi Arabia as China's top oil supplier, (20 Mar 2023), accessed: August 21, 2024, <https://n9.cl/vuzwd>

اختصاص داد و بدین سان، عربستان سعودی دومین میزبان بزرگ سرمایه گذاریهای چینی در ابتکار «کمربند و جاده» در سطح جهان است.

در این میان، آنچه برای عربستان از اهمیت بیشتری برخوردار است، شراکت فزاینده با چین در حوزه فناوری است که به برکت آن توانسته است زیرساختهای دیجیتالی و فناوری نوین را ارتقا دهد که از جمله آنها می توان به هوش مصنوعی، تحول دیجیتالی، شبکه نسل پنجم، اپلیکیشن های شهرهای هوشمند، مراکز بزرگ داده های ابری اشاره کرد. شرکت هواوی در سپتامبر 2023 یک "منطقه ابری" تازه ای را با هدف بهبود خدمات دولتی و اپلیکیشن های هوش مصنوعی در ریاض راه اندازی کرد. و هنوز هم کارشناسان چینی در رأس مؤسسات و شرکتهای فعال در حوزه هوش مصنوعی در عربستان سعودی، فعالیت دارند. عربستان سعودی برای تعمیق همکاری میان دو کشور و دولت، ابتکار آموزش زبان چینی در مدارس را روی دست گرفته است.

همکاری میان طرفین، حوزه های معادن نایاب، زنجیره های تأمین، خودروهای برقی، انرژی های تجدیدپذیر و امنیت انرژی جهانی را نیز شامل می شود. در این زمینه، دو کشور در توافقنامه در زمینه انرژی هیدروژنی، تولید خودروهای برقی و فناوری اطلاعات به امضا رسانده اند. شایان ذکر است که صندوق راه ابریشم چین 49 درصد سهام شرکت انرژی تجدیدپذیر آکوا پاور را از آن خود کرده است. گفتنی است که شرکت آکوا پاور مهمترین بازوی سرمایه گذاری پادشاهی عربستان سعودی در طرحهای انرژی تجدیدپذیر در تمام نواحی منطقه و خارج آن به شمار می رود. عربستان سعودی نیاز دارد که در تلاشها برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و آمادگی برای مرحله پسا نفت، از حمایت چین برخوردار گردد¹. همچنین شرکت چینی مهندسی انرژی، قراردادی به مبلغ 6,98 میلیارد یوان (972 میلیون دلار) برای احداث نیروگاه انرژی خورشیدی در پادشاهی عربستان سعودی به امضا رساند. و این تازه

(1) Power-technology, China's Silk Road Fund acquires 49% stake in ACWA Power RenewCo, (May 11, 2020), accessed: August 21, 2024, <https://n9.cl/4igr8>

ترین مورد از قراردادهای سریالی انرژی تجدیدپذیر میان چین و عربستان سعودی است.¹

پس از آنکه ایالات متحده فروش سامانه های دفاعی به عربستان را کاهش داد، همکاری میان ریاض و پکن در این حوزه افزایش یافت. از سال 2017 عربستان سعودی همکاری خود را در زمینه توسعه و ساخت پهپادهای نظامی و موشک های بالستیک با شرکتهای چینی آغاز کرد و در چارچوب تنوع بخشیدن به منابع تسلیحاتی، خرید تسلیحاتی ریاض از چین افزایش یافت. و عربستان سعودی تعداد زیادی از پهپادهای جنگی چینی (CH4)، و (Wing Loong)، را به دست آورد. همچنین طرفین توافقنامه ای در زمینه شراکت در طراحی و ساخت پهپادهای دیگر و انتقال تکنولوژی پهپادی به عربستان امضا کردند. علاوه بر آن، نمایشگاه دفاعی عربستان سعودی در اوایل سال 2024 حضور شرکتهای چینی در مقایسه با شرکتهای آمریکایی بسیار پررنگ تر بود. گزارش منابع آمریکایی حکایت از آن دارد که عربستان سعودی با کمک چین به تولید داخلی موشکهای بالستیک روی آورده است. و گزارشهای دیگری نیز حکایت از آن دارد که ریاض و پکن چندین توافقنامه در مورد همکاری هسته ای به امضا رسانده اند. و انتظار می رود که حوزه های همکاری میان طرفین گسترش یابد؛ زیرا در جریان سفر رئیس جمهور چین، دو کشور توافقنامه های شراکتی امضا کردند که ارزش آنها به 30 میلیارد دلار می رسد.²

علی رغم اینکه چین به عنوان شریک امنیتی در خاورمیانه شناخته نمی شود، اما از سال 2017 نشانه هایی از افزایش حضور امنیتی چین در منطقه خود را نشان داده است. از آن زمان به بعد چین یک پایگاه دریایی در جیبوتی احداث کرده است که اولین پایگاه دریایی ارتش چین و رای مرزهای این کشور به شمار می رود. به دنبال آن، نیروی دریایی چین علاوه بر دیدارهای متعدد از بنادر منطقه، آموزشهای مشترکی با کشورهای منطقه و مخصوصا عربستان

(1) Reuters, China Energy Engineering signs \$972 million solar deal with Saudi partners, (August 13, 2024), accessed: August 21, 2024, <https://n9.cl/q3whfi>

(2) الجزيرة نت، علي جمعة العبيدي، هل ترسم السعودية خطوط المستقبل الأمني والجيواقتصادي؟، (5 ژانویه 2024)، تاریخ بازدید: 21 آگست 2024، <https://n9.cl/mbp05>

سعودی انجام داد. در اکتبر 2023 نیروی دریایی عربستان سعودی و چین برای دومین بار در رزمایش‌های مشترکی تحت عنوان "شمشیر آبی" شرکت کردند که در چانگ یانگ استان گوانگدونگ برگزار شد¹. و در راستای همین همکاری، وزارت دفاع پادشاهی عربستان سعودی میزبان مقامات نظامی بود با هدف تبادل تجربیات بود.

اما مهم‌تر از همه اینها، این واقعیت است که چین برای اولین بار در منازعات منطقه ای ایفای نقش کرد و با میانجی‌گری میان ایران و عربستان سعودی توانست به قطع روابط میان دو طرف پایان دهد. در نتیجه، تلاش‌های چین در کنترل رفتار منطقه ای ایران به بار نشست و پایبندی ایران به مفاد توافقنامه را نیز تضمین کرد. از این رو، حمایت چین از سیاست پادشاهی عربستان سعودی مبنی بر تنش زدایی و ثبات منطقه ای و همچنین حل و فصل مسائل اختلافی با ایران و مهار بلندپروازیها و اقدامات دخالت جویانه ایران که منافع و ثبات عربستان را تهدید می‌کند، اهمیت به سزایی دارد.

در راستای تقویت حضور در فضای بین الملل و نیز در چارچوب بلندپروازیهای پادشاهی عربستان سعودی در گشایش با جهان و قدرتها و الگوهای مختلف جهانی، عربستان خواهان عضویت در برخی سازمانهای چندجانبه مانند سازمان همکاری شانگهای و سازمان بریکس بود که با استقبال چین روبرو شد. پادشاهی عربستان سعودی با درپیش گرفتن این رویه، در تلاش است به یک بازیگر بین المللی و منطقه ای بدل شود و خود را به عنوان یک قدرت نو ظهور تازه ای مطرح کند. البته عربستان سعودی با افزایش تأثیرگذاری ژئوپلیتیک و فضایی که برای مانوردهی برایش مهیا است و نیز با درپیش گرفتن سیاست خارجی واقع بینانه ای که حاصل رهایی از گرایشها و دیکته های ایدئولوژیک است، و حفظ سیاستی بی طرفانه در قبال همه قدرتهای بین المللی رقیب و استفاده از فضای رقابت کنونی در تقویت جایگاه و تأثیرگذاری خود، این پتانسیل را دارد که یک بازیگر بین المللی و منطقه ای و یک قدرت نو ظهور تبدیل شود.

(1) Duncan Bartlett, China and Saudi Arabia: A Partnership Under Pressure, the diplomat, (November 20, 2023), accessed: August 21, 2024, <https://n9.cl/loroa>

دو. بازنگری آمریکا در سیاستهای منطقه ای با هدف مهار چین و احیای نفوذ خود ایالات متحده تحرکات منطقه ای چین و همچنین نقش پادشاهی عربستان سعودی در زمینه سازی برای گسترش حضور چین در خاورمیانه را با نگرانی دنبال می کرد. از این رو، بایدن در نشست سران جده در سال 2022 در حضور رهبران عرب تأکید کرد که ایالات متحده، خاورمیانه را ترک نخواهد کرد. او گفت " ما دور نمی شویم و خلای باقی نمی گذاریم که چین، روسیه و ایران آن را پر کنند... ایالات متحده هیچ جایی نمی رود. جنگ روسیه و اوکراین به نگرانیهای واشنگتن دامن زد و ایالات متحده دریافت که در ارزیابی اهمیت منطقه خاورمیانه و عربستان سعودی در حفظ جایگاه و نقش واشنگتن در سطح جهان مخصوصاً در زمینه هماهنگی دیپلماتیک و سیاستهای نفتی، دچار اشتباه راهبردی شده است. و ایالات متحده به این باور رسید که عربستان سعودی دیگر خود را اسیر برنامه های دیپلماتیک و امنیتی واشنگتن در منطقه و جهان نخواهد ساخت. مقاومت ریاض در مقابل فشارهای ایالات متحده که بعد از جنگ روسیه و اوکراین خواهان افزایش سقف تولید نفت بود، خود بهترین گواه این سیاست مستقلانه ریاض است.

از نگاه ایالات متحده، رویکردهای عربستان سعودی در قبال ایران و چین ضربه ای به اعتبار و جایگاه بین المللی واشنگتن محسوب می شود. پادشاهی عربستان سعودی پس از چندین دهه همراهی با سیاستهای ایالات متحده در قبال ایران، با یک تصمیم عملگرایانه و توافق عادی سازی روابط با ایران، ایالات متحده را غافلگیر کرد. این توافق در ذات خود با دیدگاه آمریکایی امنیت منطقه سازگاری نداشت. زیرا ایالات متحده در تلاش است برای مقابله با خطر ایران یک چارچوب امنیتی منطقه ای گسترده تری به وجود آورد که اسرائیل نیز در آن حضور داشته باشد و از این طریق تأثیر گذاری خود بر منطقه را حفظ کند.

جنگ غزه و حملاتی که متحدان منطقه ای ایران از چندین جبهه نیروهای آمریکایی را هدف قرار می دهند، اشتباه راهبردی واشنگتن در عقب نشینی

از منطقه را به اثبات رساند و واشنگتن ناچار است با بازنگری در برنامه ها، نیروها و جنگ افزارها و تجهیزات نظامی خود را به منطقه بازگرداند. اما این بار، متحدان منطقه ای آن هماهنگی قبلی با واشنگتن را ندارند. به عنوان مثال، عربستان سعودی در ائتلاف «نگهبان شکوفایی» برای تأمین امنیت تجارت در دریای سرخ مشارکت نکرد. و این تنها یک مورد از نشانه های تیرگی روابط ایالات متحده با مهمترین متحدان منطقه ای و نیز اختلاف رهیافت های آنان است.

و بدین سان، واشنگتن به ناچار روابط خود با عربستان سعودی را مورد بازنگری قرار داد؛ زیرا ریاض در جایگاهی قرار گرفته است که می تواند در آینده در فضای بین الملل تأثیرگذار باشد و در سایه رقابت آمریکا و چین بر سر منطقه، استقلال و اراده آزاد خود را به دست آورد و در این راه از جایگاه خود در بخش انرژی و اقتصاد به شیوه های گوناگون استفاده کند. با گرایش جهان به انرژی تجدیدپذیر اهمیت عربستان سعودی دوچندان شد. زیرا دولت عربستان در عین حال که ثروت خود را برای تأمین مالی پروژه های انرژی سازگار با آب و هوا و نیز دیگر ابتکارهای اقتصاد سبز در منطقه و جهان به خدمت گرفته است، به طور ویژه ای بخشهای فناوری را مورد توجه قرار داده است. واشنگتن سلاحها و مهمات پیشرفته ای را که از سال 2017 فروش آنها را به عربستان ممنوع کرده بود، اکنون در اختیار ریاض قرار داده است و این گواه این امر است که واشنگتن در روابط خود با پادشاهی عربستان سعودی بازنگری کرده است.¹

سخن به همین جا خلاصه نمی شود بلکه با افزایش شبکه های لجستیک، حمل و نقل و انرژی در منطقه و قرار گرفتن منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در مرکز شبکه های تجارت جهانی به لطف راههای قدیمی مانند کانال سوئز ویا طرحها و راههای تازه، و نیز به خاطر نقش گسترده ای که بنادر و

(1) سی إن إن، الولايات المتحدة ترفع الحظر عن مبيعات الأسلحة الهجومية للسعودية، (10 آگست 2024)، تاریخ بازدید: <https://h9.cl/3f5wy>، 25 آگست 2024

فرودگاه‌های منطقه ای در امریون الملل ایفا می کنند، بر اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک و تجاری پادشاهی عربستان سعودی افزوده شد.¹

از این رو، ایالات متحده تلاش کرد مسائل اختلافی با پادشاهی عربستان سعودی را مدیریت کند. و از اوایل سال 2023 گفتگوهای راهبردی را آغاز نمود. واشنگتن در این گفتگوها دیدگاه امنیت منطقه ای را ارائه کرد که سنگ بنای آن همانا عادی سازی روابط عربستان با اسرائیل و ایجاد یک ائتلاف دفاعی امنیتی گسترده در خاورمیانه با مشارکت اسرائیل و رهبری ایالات متحده است. در مرحله پیشرفته این گفتگوها، واشنگتن طرح کریدور بین المللی را ارائه کرد که هند را با گذر از منطقه خاورمیانه و مشخصاً از امارات و عربستان سعودی به اروپا متصل می کند. هدف اصلی این ابتکار همانا از رونق انداختن ابتکار چینی کمربند و جاده است. اما عربستان سعودی پذیرش این دیدگاه واشنگتن را به برآورده شدن خواسته هایی گره زده است که از مهمترین آنها تضمین امنیتی راهبردی و پایدار همانند شراکت واشنگتن با ژاپن است تا ضمن پایان دادن به نگرانیهای ریاض، بتواند مجدداً اعتماد عربستان سعودی را به عنوان یک متحد کسب نماید. از دیگر خواسته های ریاض، احداث یک نیروگاه برق هسته ای با توانایی غنی سازی اورانیوم است. هدف ریاض از این امر علاوه بر حمایت از بخش انرژی، موازنه با طرحهای هسته ای منطقه ای ایران و اسرائیل است. وانگهی، تعیین یک چشم انداز برای حل و فصل مسأله فلسطین از جمله خواسته های عربستان سعودی است.²

بی تردید، انگیزه اصلی آمریکا از ارائه چنین طرحی همانا تمایل به احیای نفوذ منطقه ای و در عین حال، مقابله با نفوذ فزاینده چین و محدود کردن رابطه یکن با مهمترین قدرت منطقه ای یعنی عربستان سعودی است. گفته می شود که واشنگتن تلاش می کند ریاض را قانع سازد که نفت خود را به چین

(1) بارین کایا اوغلو، ستیفن کینی، الولايات المتحدة والصين في الشرق الأوسط: ثلاثة سيناريوهات حتى عام 2050، معهد الشرق الأوسط، (30 أبريل، 2024)، تاریخ بازدید: 21 اگست 2024، <https://m173wk.cl.n9/>

(2) هشام الغنم وعمر العمران، لن تتخلى السعودية عن الصين لأجل أمريكا، ثمانية، (3 اگست 2024)، تاریخ بازدید: 21 اگست 2024، <https://n9.cl/hd9xn>

تنها به دلار بفروشد و یوان را در معاملات نفتی دخالت ندهد و پیشرفت روابط تجاری با چین مخصوصاً در حوزه فناوری را محدود سازد.

سوم: اقدام عربستان سعودی در برقراری موازنه منافع خود با هر دو قطب

مسلم پادشاهی عربستان سعودی می خواهد در راستای دفاع از منافع ملی خود روابط پیشرفته خود با چین و ایالات متحده را حفظ کند و در این قطب بندی به هیچ یک از طرفین گرایش تام نداشته باشد. در اینجا به مجموعه منافع و اشتراک منافع عربستان سعودی با این دو قطب و همچنین رویکرد احتمالی عربستان و نیز دستاوردها و چالشهای احتمالی فرا روی عربستان می پردازیم:

یک. رویکرد احتمالی

حفظ رویکرد متوازن با پکن و واشنگتن از جمله منافع حیاتی عربستان به شمار می رود که از ارزیابی عربستان سعودی در مورد امکانات خود و جایگاهی که به آن چشم دوخته است، ناشی می شود. به نظر می رسد که کنار گذاشتن این روش نیز چندان آسان نیست. زیرا این رویکرد بر پایه های استوار و اصولی بنا شده است که در دکترین سیاست خارجی عربستان سعودی در سطح بین المللی یعنی تنوع بخشیدن به شراکت ها و استقلال و عدم گرایش به قطب بندی ریشه دارد.

آنچه این رویکرد را تقویت می کند این واقعیت است که سیاست خارجی عربستان سعودی در سالهای اخیر رویکردی واقع گرایانه و در عین حال عملگرایانه ای را در پیش گرفته است و با توجه به منافع ملی، انتظار می رود که این رویه ادامه یابد. علاوه بر آن، تصمیم ساز سعودی در مقابله با قدرتهای خارجی هراسی به دل راه نمی دهد چرا که سیاست خارجی عربستان در سایه طرح بلند پروازانه ملی و موفقیت در پیشرفت و توسعه مثال زدنی و ارتقای جایگاه عربستان در تمامی زمینه ها از پشته وانه و مشروعیت داخلی گسترده ای برخوردار است.

از نگاه عربستان سعودی، رابطه با واشنگتن و یا پکن نباید فدای دیگری شود. در مورد واشنگتن، قطع ارتباط ریاض با ایالات متحده نه به نفع ریاض و نه امری ممکن است. زیرا منافع حیاتی دو طرف ایجاب می کند که این رابطه پایدار باشد. این منافع حیاتی، پایدار و گسترده است. ایالات متحده بازیگر امنیتی و شریک دفاعی مهم و نیز منبع تسلیحاتی مهم منطقه است. در حالیکه به نظر می رسد که ایالات متحده این ابتکار را برای جلب رضایت عربستان و از بین بردن نگرانیهای امنیتی آن ارائه کرده است اما این بدان معنا نیست که ریاض نیز تمایل دارد به همان سطحی از روابط پیشین بازگردد که همواره به طور تمام قد از مواضع واشنگتن حمایت می کرد. بلکه اکنون ریاض در صدد است روابط خود را بر پایه توازن و منافع متقابل بازسازی و مدیریت کند.

در عین حال، به نظر نمی رسد که ریاض بخواهد رابطه با پکن را به پای واشنگتن قربانی کند؛ زیرا رویکردی که عربستان در قبال چین در پیش گرفت نه از روی انتقام از واشنگتن بلکه این رویکرد بازتابی از واقعیت داخلی عربستان و رویکرد رهبران و اصول تازه ای است که عربستان در سطح بین الملل در پیش گرفته است. و این خوانشی از واقعیت فضای بین المللی و حضور و صعود پررنگ چین و امکان استفاده از همکاری با چین در زمینه های مختلف است؛ به ویژه اینکه ظاهراً چین یک نگاه توسعه محور همه جانبه دارد که با چشم انداز 2030 پادشاهی عربستان نیز همخوانی دارد. در نتیجه، می توان طرح چشم انداز عربستان را در ابتکارهای پیشین چین از جمله ابتکار کمربند و جاده ادغام کرد.

شایان ذکر است که عربستان سعودی روابط تنگاتنگ و پایداری با روسیه و چین برقرار کرده است به گونه ای که هرگونه عقب نشینی از این سطح روابط به اعتبار و جایگاه ریاض آسیب می زند. از این رو، می توان گفت که ریاض تحت هیچ شرایط و فشاری از این روابط عقب نشینی نخواهد کرد. عربستان سعودی تلاش دارد سیاست خارجی تازه ای را در پیش بگیرد که رضایت همه طرفها را با خود داشته باشد. و نکته مهمتر اینکه، همه طرفها

به عربستان سعودی به عنوان یک شریک سیاسی و اقتصادی بی بدیل در منطقه و در سطح بین الملل نیاز دارند. در نتیجه، عربستان سعودی نیز می تواند روابط متبادل و متوازن خود را با همه طرفها حفظ و دنبال کند.

بدون شک، پادشاهی عربستان سعودی می خواهد از رابطه سازنده با هر دو قطب بین المللی بهره مند گردد و تمایلی ندارد که در این قطب بندی به یکی از طرفها گرایش پیدا کند و در جنگ سرد منطقه ای به عنوان یک طرف درگیر به نفع یکی از قطبها وارد میدان شود. به ویژه اینکه عربستان سعودی توانست با وساطت چین روابط خصمانه خود با ایران را به سطح تنش زدایی و مدیریت اختلافات سوق دهد. و به نظر می رسد که هر دو کشور تلاش دارند شیوه تازه ای از روابط را در پیش بگیرند که هرچند ممکن است به سطح همکاری ارتقا پیدا نکند اما مسلماً به سطح درگیری نیز نخواهد رسید؛ زیرا چین به عنوان ضامن، در این توافق حضور دارد و این رویکرد با منافع ریاض در تنش زدایی منطقه ای و عدم ورود در ائتلافهای متخاصم که ثمره ای جز فرسایش توان و منابع ندارند و طرح توسعه ای بلند پروازانه را نیز با مشکل روبرو می سازد، سازگاری دارد.

همچنین عربستان سعودی به این باور رسیده است که وجود توازن در ساختار قدرت جهانی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به ویژه اینکه از نگاه پادشاهی عربستان سعودی غیاب توازن و بازگشت رقابت به امنیت و صلح جهانی آسیب می زند و باعث شعله ور شدن جنگها و درگیریها می شود و بسیاری از بحرانها ریشه در برنامه هایی دارد که غرب تلاش دارد بر جهان تحمیل کند، و از این منظر، بر اردوگاه غرب ایراداتی وارد است. در مقابل، اردوگاه شرق (چین و روسیه) چنین برنامه هایی ندارند و در صدد آن نیستند که شروط خود را بر کشورها تحمیل کنند. اردوگاه شرق به حاکمیت کشورها احترام می گذارد و در امور داخلی کشورها دخالت نمی کند. علاوه بر آن، برخی از ارزشهای نوین غربی با منظومه ارزشهای اسلامی که پادشاهی عربستان نیز به آن پایبند است، در تضاد است. از این رو، ایجاد رابطه متوازن با هر دو قطب علاوه بر اینکه عربستان را در مقابله با فشارها و دیکته ها توانمند می سازد و

گزینه های بدیل و برگهای فشار مناسبی برای تحقق منافع در اختیار آن قرار می دهد، نقش عربستان را به عنوان میانجی مورد قبول همگان تقویت می کند و از عربستان سعودی انتظار می رود که چنین نقشی را ایفا نماید.

از جمله مسائلی که سبب می شود موازنه رابطه با قطب های بین المللی برای عربستان سعودی تا این اندازه مهم باشد، این است که عربستان سعودی می خواهد خود را در برابر ناپایداریهای سیاست غرب و روش فزاینده غرب در استفاده از حربه تحریمها علیه دشمنان و حتی علیه متحدان خود، مستحکم و مصون سازد. گفتنی است که غرب با مصادره اموال روسیه از آن برای تأمین مالی اوکراین در جنگ استفاده می کند. به نظر می رسد که غرب در صورت بروز اختلافات به جای رجوع به قانون بین المللی، هر لحظه آمادگی دارد که اموال و دارایی های رقیب را مصادره کند و آن اموال را برای تأمین مالی ماشین جنگی علیه رقیب به کار گیرد.

علاوه بر آن، پادشاهی عربستان سعودی به دستاوردها و طرحهای بزرگی چون برپایی نمایشگاه اکسپو، برگزاری مسابقات جام جهانی، برگزاری بازی های المپیک زمستانی آسیا و طرحهای گردشگری بزرگ دیگری چشم دوخته و در تلاش است تا مشارکت همگان را در این طرحها جلب کند. از این رو، به نفع ریاض نیست که وارد قطب بندیهایی شود که موفقیت پروژه های آینده محور را که بسیار روی آن حساب باز کرده است، تهدید کند.

دو. دستاوردها و چالشهای احتمالی

با در نظر داشت موازنه های کنونی میان قدرتهای بین المللی، رقابت جهانی فرصتی برای مانوردهی برای تصمیم ساز سعودی فراهم می سازد. و جایگاه و اهمیت عربستان سعودی را نزد این قدرتهای بین المللی ارتقا می دهد. و این امکان را فراهم می سازد که ریاض برای خدمت به طرح ملی وارد ائتلافهای چند جانبه شود. و سبب می شود که عربستان سعودی دریافتن گزینه های بدیل، شرکاء و منابع متنوع سلاح شانس بیشتری داشته باشد و برای مقابله با فشارها، برگهای برنده ای در اختیار داشته باشد. همچنین این موازنه به نفع طرح توسعه و چشم انداز 2030 عربستان سعودی نیز هست. پادشاهی

عربستان سعودی با تنوع بخشیدن به شراکتهای خود این پیام واضح را مخابره کرده است که برخلاف آنچه آمریکا می‌پندارد، ریاض می‌تواند یک روند خاصی در روابط چندجانبه بین الملل ایجاد کند که در راستای طرح و منافع ملی آن باشد. و تأثیر این روند آنجا خود را نشان داد که ایالات متحده موضع خود در قبال پادشاهی عربستان سعودی را مورد بازنگری قرار داد و با ارائه ابتکارهای تازه ای برای همکاری تلاش کرد از سیاست فشارها و دیکته کردن ها دست بردارد و برای برطرف کردن نگرانیهای عربستان سعودی گام بردارد. از این رو، می‌توان گفت که توازن در روابط، بهترین گزینه برای منافع پادشاهی عربستان سعودی است.

اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که گزینه عربستان سعودی در دفاع از منافع خود که همانا در رابطه متوازن نهفته است، با چالشهای جدی روبرو است؛ زیرا قطب بندی میان واشنگتن و پکن به اوج رسیده است و این رقابت اندک اندک به روابط بین الملل نیز سرایت می‌کند. و این احتمال وجود دارد که ایالات متحده در چارچوب تلاش برای پاسداری از جایگاه بین المللی خود با دشمنان خود مدارا نکند تا چه رسد به همپیمانانی که قدرت ائتلاف رقیب را تقویت کنند. در این میان عربستان سعودی به عنوان یک متحد راهبردی واشنگتن از صد سال پیش که وارد ائتلاف شده است، هرگز از این ائتلاف خارج نشده است. اکنون آمریکاییها از هر دو حزب به این باور رسیده اند که کشورهایی که بیش از اندازه به حزب کمونیستی چین نزدیک شده اند، نمی‌توانند شریک آمریکا باشند.

همچنین، برخی مسائل همچنان میان واشنگتن و ریاض حل نشده باقی مانده است که از آن جمله می‌توان به امضای پیمان دفاعی اشاره کرد که عربستان سعودی بر امضای آن به عنوان سنگ بنای همکاری امنیتی میان طرفین اصرار دارد. برنامه هسته ای صلح آمیز که مورد حمایت واشنگتن باشد، دسترسی به سلاحهای پیشرفته آمریکایی، کاهش سطح حساسیت در انتقال فناوریهای حساس، تسریع در روند رسیدگی به سرمایه گذارهای عربستان سعودی در شرکتهای فناوری آمریکایی و زیرساختهای بنیادین حیاتی

از جمله مسائل پیچیده ای است که در سایه نبردی که با چین در این حوزه دارد، به آسانی از فیلترارگانهای تصمیم ساز آمریکایی نخواهد گذشت. و اگر واشنگتن با این مسائل موافقت کند، قطعاً موافقت با این خواسته ها را به شروطی گره خواهد زد که ممکن است مورد پسند ریاض نباشد.

از مهمترین این شروط همانا محدود کردن رابطه ریاض با پکن است. و این خواسته ای است که به منافع عربستان و نیز به اعتبار بین المللی آن آسیب می زند. همچنین از دیگر شروط می توان به عادی سازی روابط با اسرائیل و پیوستن به توافقهای ابراهیم اشاره کرد که تحقق این شرط بسیار بعید به نظر می رسد؛ مخصوصاً که خواست عربستان سعودی مبنی بر ایجاد یک روند قطعی برای تشکیل کشور مستقل فلسطین با رویکردهای راست افراطی اسرائیل در تضاد است. زیرا رویکردهای راست افراطی اسرائیل بر اساس پیش بینی های کتب دینی در مورد پایان جهان و ایدئولوژی توسعه طلبانه و خصمانه مخوف شکل گرفته است. علاوه بر آن، عربستان سعودی نیز چندان تمایلی ندارد در یک ساختار امنیتی که اهدافی عادلانه و صلحی گسترده را شامل نمی شود، نقش برجسته ای بازی کند. زیرا در منطقه ای با ثبات که به نفع چشم انداز و طرح بلندپروازانه عربستان سعودی است، احتمال دارد یک جنگ سرد منطقه ای با ایران شعله ور شود که به منافع پادشاهی عربستان سعودی آسیب بزند.¹

برآیند

علی رغم اینکه قطب بندی میان آمریکا و چین شدت یافته است اما امکان ندارد که ریاض عزم خود را بر جدایی از ایالات متحده جزم کند و کاملاً با پکن ائتلاف نماید؛ بلکه احتمالاً ریاض تلاش خواهد کرد با در دست گرفتن راهبرد محتاطانه و دوستانه ای، روابط با هر دو قطب را به گونه ای تقویت کند که در راستای منافع حیاتی عربستان باشد. یعنی تلاش نماید با استفاده از روابط فزاینده خود با پکن، بیشترین امتیازها را از واشنگتن بگیرد. زیرا

(1) Andrew Exum, The Saudi Deal the U.S. Actually Needs, the Atlantic, (May 31, 2024), accessed: August 21, 2024, <https://n9.cl/mz7o8s>

از نگاه واقع بینانه، ریاض از داشتن روابط متوازن با هر دو قطب بزرگ بین المللی بی نیاز نیست. در مورد ایالات متحده باید گفت که این کشور همچنان به عنوان یک شریک بی بدیل امنیتی مطرح است که حتی چین نیز نمی تواند جای آن را در منطقه بگیرد. ایالات متحده قدرتمندترین حضور نظامی در منطقه را دارد و در این زمینه مهمترین شریک کشورهای خلیج و عربستان سعودی به شمار می رود به گونه ای که ریاض هماهنگی های خود با واشنگتن را همچنان در سطح بالا حفظ کرده است. اما در مورد چین، جنگ غزه ثابت کرد که چین برای ایفای نقش امنیتی و تحمل هزینه ها و پیامدهای دخالت امنیتی و نظامی در بحرانهای منطقه آمادگی ندارد و حتی نسبت به دخالت های آمریکا در منطقه خاورمیانه نیز اعتراضی ندارد؛ از نگاه چین هم چه بسا درگیر بودن واشنگتن در بحرانهای خاورمیانه و افزایش بار مسئولیت بر دوش ایالات متحده، آن را از تمرکز بر منطقه دریای چین جنوبی و بحرانهای آن منصرف کند. اما به عنوان یک قطب موازنه گر بین المللی چاره ای جز آن نیست که روابط تجاری و اقتصادی مخصوصا در حوزه انرژی با آن تقویت گردد. در اکثر موارد، واشنگتن نسبت به تعمیق روابط چین و عربستان سعودی در حوزه های اقتصاد و تجارت مخالفتی ندارد اما احتمالاً از گسترش روابط به حوزه های دفاعی، امنیتی و فناوریهای حساس نگران است. از این رو، عربستان سعودی می تواند با حمایت از منافع حیاتی خود در روابط خود با واشنگتن و پکن موازنه برقرار کند. البته عربستان سعودی باید ضمن پرهیز از گرایش به نفع یکی از قطب ها و با تقویت منافع خود، معادله و موازنه ای برقرار کند که در راستای طرحها و پروژه های داخلی باشد و دیدگاه ریاض در مورد جایگاه منطقه ای و بین المللی را تقویت نماید. و احتمالاً، توسعه روابط تنگاتنگ با هر دو قطب در آینده، پادشاهی عربستان سعودی را به یک میانجیگر برای کاهش و مدیریت تنشها بدل خواهد ساخت.



✉ info@rasanahiiis.com

🐦 [@rasanahiiis](#) [@rasanahiiis](#)

🌐 www.rasanah-iiis.org

